

احکام غصب موقوفات و ادله آن

فاطمه خشتامن^۱

محدثه صیادپور^۲

منیره میراحمدیان^۳

چکیده

غصب در لغت «اخذ از روی ظلم و قهر» را گویند. و در اصطلاح فقها عبارت است از «استیلا و در اختیار و تحت ید قرار دادن هر چه که مربوط به دیگری است، مال یا ملک دیگری و یا حق او.

غصب یکی از اسباب ضمان است که در میان فقها به «ضمان ید» نیز معروف است. این قاعده برگرفته از این حدیث شریف نبوی است که می‌فرماید: علی الید ما اخذت حتی تؤدیه.

احکامی که در فقه برای غصب عنوان می‌شود عبارت است از حکم تکلیفی به حرمت غصب و وجوب برگرداندن مغضوب به صاحبش و دیگری حکم وضعی ضمان غاصب، به این معنا که وقتی غصب صورت گرفت، مال مغضوب بر عهده‌ی غاصب ثابت می‌شود و در نتیجه اگر تلف یا معیوب شود غاصب باید از عهده‌ی آن برآید. یعنی در صورت تلف باید بدل آن را به صاحب مال بدهد. فقها به این قسم از ضمان، «ضمان ید» می‌گویند. نوشتار حاضر تحت عنوان احکام غصب موقوفات و ادله آن بنا دارد احکام غصب و ادله آن را به طور تفصیل مورد بررسی نماید.

کلیدواژگان: احکام، وقف، موقوفات، غصب، ضمان.

^۱. طلبه سطح ۳، کرمانشاه، گیلانغرب، مدرسه علمیه الزهراء (سلام الله علیها).

^۲. طلبه سطح ۳، کرمانشاه، گیلانغرب، مدرسه علمیه الزهراء (سلام الله علیها).

^۳. طلبه سطح ۳، کرمانشاه، گیلانغرب، مدرسه علمیه الزهراء (سلام الله علیها).

مقدمه

اسلام، احترام به حریم اموال را بر پیروانش لازم شمرده است. و تصرف ناحق در اموال دیگران - اعم از منقول و غیرمنقول - را غصب و نامشروع می داند. غصب برای خود آثار و احکامی دارد که آن نیز به نوبه خود بر دو قسم تکلیفی و وضعی قابل تقسیم است. هر کدام از این احکام نیز شامل دو قسم می شوند. که بناست در این تحقیق مورد بررسی قرار گیرند.

گفتار نخست: حکم تکلیفی غصب و ادله آن

غصب دارای یک حکم تکلیفی می باشد که احکام تکلیفی آن ۸ عبارتست از حرمت غصب و وجوب رد مغضوب که در ادامه مباحث هر حکم بررسی خواهد شد.

الف: حرمت غصب

غصب دو حکم تکلیفی دارد یکی از آنها حرمت غصب است.^۱ غصب کردن حرام است به خسب عقل، کتاب، حدیث و اجماع و تصرف کردن غاصب در آن مال حرام است سوای رد کردن به صاحبش، چه رد آن واجب است اگرچه متعذر باشد چون چوب در عمارت و لوح در کشتی و اگرچه محتاج به ویران کردن آن باشد، اما اگر در دریا باشد و لوح در پایین کشتی باشد رد آن بعد از اخراج به ساحل واجب است.^۲

۱. روح الله موسوی خمینی، تحریر الوسیله - مترجم: علی اسلامی، جلد ۳، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ ۲۱، ۱۴۲۵ ه.ق، ص ۳۰۵ و الیاس شریفی اشکوری، منتخب فقرات فقهیه، جلد ۱، قم: بیت آیت الله شکری، ۱۳۸۹، ص ۳۰۹.

۲. محمد بن حسین بهاء الدین عامل، نظام بن حسین ساوجی، جامع عباسی و تکمیل آن (محشی، ط - جدید)، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ اول، ۱۴۲۹ ه.ق، صص ۵۴۹-۵۵۰.

غصب عقلاً و شرعاً حرام است که با مسلط شدن بر مال غیر، از روی ظلم و در اختیار گرفتن و تصرف در آن، تحقق پیدا می‌کند. در غصب فرقی بین مال منقول و غیر منقول و بین اعیان و منافع نیست.^۱

خوردن و پایمال کردن مال یتیم و مال کسی که غایب است و موقوفات و مانند آنها حرام است، پس بر هر فرد واجب است این اموال را از دسترس متجاوزان حفظ کرده، مال یتیمان و اموال غایب و موقوفات را حفظ کند و هر کس دسترسی به این گونه اموال دارد، آنها را جهت نگهداری هزینه کند، خواه مجتهد باشد یا نباشد.^۲

غصب در اموال، از اعظم محرمات است بعد از ظلم در نفوس و اعراض؛ و حکم آن ثابت است از طریق حکم عقل به تقبیح، و اطباق عقلاء، و اتفاق اهل ادیان اصیله و مسلم بودن نزد همه آنها، و همه اهل دین حق کامل اسلام، چنانچه با وضوح در نزد اهل اسلام مروی است از نبی اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) «من غصب شبراً من الأرض، طوّقه الله من سبع ارضین يوم القيامة؛ و من خان جاره شبراً من الأرض، جعله الله طوقاً فی عنقه من تخوم الأرض السابعة حتی یلقى الله يوم القيامة مطوّقاً إلا أن یتوب و یرجع؛ و من أخذ ارضاً بغير حق، کلف أن یحمل ترابها إلى المحشر»، و دخول مغضوب در عهده و ضمان غاصب، از امور واضحه دینیّه است.^۳

در اینجا به بررسی ادله حرمت غصب پرداخته می شود.

۱. ادله حرمت غصب

^۱. عاملی، حسین بن عبد الصمد - مترجم: جلالی، سید محمد جواد حسینی، مصرف خمس در زمان غیبت، قم، مؤسسه دائره المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت علیهم السلام، چاپ اول، ۱۴۲۶ ه.ق، ص ۱۹۶.

^۲. عاملی، حسین بن عبد الصمد، مصرف خمس در زمان غیبت، - مترجم: جلالی، سید محمد جواد حسینی، چاپ اول، قم: مؤسسه دائره المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت علیهم السلام، ۱۴۲۶ ه.ق، ص ۱۹۷.

^۳. محمد تقی بهجت گیلانی فومنی، جامع المسائل (بهجت)، جلد ۴، چاپ دوم، قم: دفتر معظم له، ۱۴۲۶ ه.ق، ص ۵۷۵.

اول: آیات حرمت غصب

۱- «وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ وَتُدْلُوا بِهَا إِلَى الْحُكَّامِ لِنَأْكُلُوا مِنْ أَمْوَالِ النَّاسِ بِالْإِثْمِ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ»^۱

ترجمه: اموال خود را در بین خود (به طریق) باطل نخورید (یعنی بعضی اموال بعض دیگر را) و این اموال را به حکام (زامداران امور و قضات) نرسانید به منظور اینکه قسمتی از اموال مردم را آگاهانه به گونه گناه و معصیت بخورید.

طبیعی قصه معلوم است که شخصی مال دیگری را غاصبانه می خورد و موضوع قهراً به حکام ارجاع می شود و به وسیله حکام صورت قانونی داده و دانسته معصیت کرده و مال مردم را از بین می برند آیه شریفه از این عمل نهی می کند و تا اندازه ای وجدان اشخاص غاصب را تحریک می کند که بلکه از این جنایت دست بردارند.^۲

نکات و اشاراتی که در آیه مبارکه به نظر می رسد:

۱- ابتدا مالکیت خصوصی مسلم گرفته شده و سپس به بیان حکم آن می پردازد، زیرا اصل مالکیت خصوصی امری فطری و روشن بوده و از آغاز زندگی بشر وجود داشته و بر زندگی وی کاملاً حاکم بوده است و بر خلاف ادعای کمونیست ها و سوسیالیست ها، در آغاز کمون اولیه اشتراکی وجود نداشته بلکه هر انسانی مالک دسترنج خود بوده است، لذا در تاریخ بشر، مالکیت خصوصی را در همه اجتماعات انسانی حاکم می بینیم و انکار مالکیت یک امر قسری و اجباری و خلاف فطرت است و به همین جهت سران و رهبران آنها (طرفداران اقتصاد شرق) از انکار مالکیت خصوصی و الغای مالکیت به محدود کردن آن عدول کردند.^۳

^۱. بقره (۲)، آیه ۱۸۸.

^۲. علی احمدی میانجی، مالکیت خصوصی در اسلام، چاپ اول، تهران: نشر دادگستر، ۱۴۲۴ هـ.ق، ص ۶۴.

^۳. همان.

این است که قرآن مجید حکم غصب و حرمت آن را به گونه‌ای بیان می‌کند که گویا حکم مالکیت خصوصی و حرمت غصب هر دو امری فطری و وجدانی می‌باشد و تقبیح غصب از نظر عقل نیز بسیار روشن بوده است. و اگر بیان مسأله، ارجاع به حکم فطرت نبود، لازم بود که «باطل» و «اثم» را نیز توضیح بدهد که چگونه بخورید باطل است و چگونه بخورید باطل نیست و چگونه اثم

است و چگونه اثم نیست، ولی در آیه شریفه توضیح نداده، گویا معنای باطل و اثم در نزد مخاطبین روشن بوده است، زیرا باطل عرفاً عبارت از این است که مال کسی را بدون جهت و بی‌رضایت او از بین ببری یا با زور و تقلب و غش در آن تصرف کنی، به عبارت دیگر مال کسی را به ناحق و بدون رضای او از بین بردن اثم و باطل است و در مقابل آن اگر با رضایت او و به نحو تجارت یا مصالحه و یا انواع دیگر معاملات (غیر ممنوعه) بخورند اشکال ندارد و باطل نیست.^۱

۲- در کلمه: «أَمْوَالُكُمْ» که اموال اضافه به ضمیر خطاب «کم» شده است مالکیت مخاطبین را نسبت به اموال، مسلم دانسته و مفروغ الوجود گرفته شده است.^۲

شاید بعضی از این کلمه اشتباهاً استفاده کنند که مراد اموال عمومی است که اضافه به ضمیر جمع گردیده است و لیکن ذیل آیه: «وَتُدْلُوا بِهَا إِلَى الْحُكَّامِ» روشن می‌کند که مراد غصب مال‌های افراد و املاک شخصی می‌باشد و با روشی که غاصبین داشته و دارند که به قضات رجوع می‌کردند و شاهد و مدارک دروغین و ساختگی آورده و به ظاهر صورت مالکیت قانونی خود را اثبات می‌کردند و به این طریق مال مردم را می‌خوردند، اشاره می‌کند.^۳

۱. همان.

۲. همان.

۳. همان.

بیشتر فقها، مشاهد متبرکه ائمه - علیهم السلام - را ملحق به مساجد دانسته‌اند و بر همین اساس احکام مسجد را بر آن جاری ساخته‌اند: آیت العظمی خوئی (ره) در این زمینه می‌فرماید: ظاهر این است که مشاهد به مساجد ملحق‌اند، مشاهد ملک کسی نبوده بلکه تحریر محض است، و از این جاست که فقها همه‌ی احکام مسجد را در مشاهد ائمه - علیهم السلام - جاری دانسته‌اند.^۱

ه: غصب راه‌ها، جاده‌ها و مدارس

درباره‌ی غصب راه‌ها و جاده‌ها، صاحب جواهر می‌فرماید: اما ما کان ملکاً للمسلمین اجمع کالطرق و نحوها فلا بأس بالقول بالضمان عیناً و منفعةً: هر آن چه که ملک همه‌ی مسلمانان است مانند راه‌ها و مانند آن هیچ اشکالی ندارد که بگوییم غاصب، ضامن عین و منفعت مغضوبه است. در غصب مدارس موقوفه و مانند آن نیز بسیاری از فقها عقیده به ضمان غاصب دارند و برخی سیره‌ی عقلائیه را دلیل ضمان غاصب شمرده‌اند.^۲

نتیجه گیری

بر اساس آنچه ذکر شد می‌توان گفت غصب موقوفات دارای دو حکم می‌باشد یکی تکلیفی و دیگری وضعی. احکام تکلیفی غصب عبارت‌اند از حرمت غصب و وجوب رد مغضوب. و احکام وضعی غصب نیز عبارت‌اند از ضمان غاصب نسبت به عین مال مغضوب و ضمان غاصب نسبت به منافع مال مغضوب. ادله‌ای که بر حرمت غصب دلالت می‌نماید شامل آیات قرآن کریم روایات معصومین (علیهم السلام) و قاعده احترام مال مردم. آیات قرآن کریم دلالت می‌کنند بر نهی از خوردن اموال مردم و اموال یتیمان به باطل. روایات معصومین نیز دلالت

^۱. سید ابو القاسم موسوی خویی، مصباح الفقاهه، بی جا، بی نا، بی تا، ص ۱۷۱.

^۲. ولی الله علیزاده، غصب موقوفات (احکام و ادله آن)، میراث جاودان، پایگاه مجلات تخصصی نور، پاییز و زمستان ۱۳۸۱ - شماره ۳۹ و ۴۰.

می‌کنند بر حرمت خوردن اموال مردم به‌ناحق. قاعده احترام مال مردم نیز دلالت می‌کند بر اینکه اموال مردم باید از تعدی و تعرض در امان باشد و هیچ‌کس حق تصرف در اموال دیگران را ندارد.

دومین حکم غصب این است که بر غاصب واجب است مغضوب را به صاحبش بازگرداند. و در صورت تلف مال، غاصب باید مثل یا قیمت آن را پرداخت نماید.

ضمان غاصب نسبت به عین مال مغضوب بدین معناست که مال مغضوب بر عهده غاصب است تا زمانی که آن را به صاحبش برنگردانده و در صورت تلف و یا خسارت مال در قبال آن ضامن است و باید آن‌ها جبران نماید. و اگر عین مال تلف شود موظف به پرداخت معادل آن مال است یا به‌صورت تهیه مثل آن و یا پرداخت قیمت آن.

علاوه بر ضمان غاصب نسبت به عین، نسبت به منافع مال مغضوب نیز ضامن است. هرگاه در مدت غصب مال دارای منفعتی شود باید آن را نیز به صاحب مال برگرداند و در صورت تلف باید معادل آن را نیز مثل عین مال بپردازد.

غصب اموال موقوفه نیز مانند سایر اموال حرام می‌باشد و غاصب باید عین مالی را که غصب کرده برگرداند و در صورت تلف معادل آن را بپردازد و همچنین است اگر مال موقوفه دارای منفعتی باشد.

فهرست منابع و مآخذ

*قرآن کریم.

- ۱- خمینی روح الله موسوی ، تحریر الوسیله - مترجم: علی اسلامی، جلد ۳، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ ۲۱، ۱۴۲۵ ه.ق.
- ۲- عاملی محمد بن حسین بهاء الدین ، نظام بن حسین ساوجی، جامع عباسی و تکمیل آن (محشّی، ط - جدید)، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ اول، ۱۴۲۹ ه.ق.
- ۳- بهجت محمد تقی گیلانی فومنی، جامع المسائل (بهجت)، جلد ۴، چاپ دوم، قم: دفتر معظم له، ۱۴۲۶ ه.ق.
- ۴- میانجی علی احمدی ، مالکیت خصوصی در اسلام، چاپ اول، تهران: نشر دادگستر، ۱۴۲۴ ه.ق.
- ۵- أبو الحسن نور الدین علی بن أبی بکر بن سلیمان الهیثمی، مجمع الزوائد ومنبع الفوائد، المحقق: حسام الدین القدسی، جلد ۴، القاهرة: مکتبه القدسی، ۱۴۱۴ ه.ق.
- ۶- یزدی مصطفی محقق داماد ، قواعد فقه (محقق داماد)، جلد ۱، چاپ دوازدهم، تهران: مرکز نشر علوم اسلامی، ۱۴۰۶ ه.ق.
- ۷- عاملی محمد بن حسن حر ، وسائل الشیعه، جلد ۲۵، قم: موسسه آل البيت (علیهم السلام)، ۱۴۰۹ ه.ق، جلد ۸.
- ۸- آخوند خراسانی، محمد کاظم، حاشیه بر مکاسب، بی جا، بی نا، بی تا.
- ۹- لنکرانی محمد فاضل موحدی ، تفصیل الشریعه، کتاب الاجاره، قم: مرکز فقهی ائمه اطهار (علیهم السلام)، ۱۴۲۹ ه.ق.
- ۱۰- عاملی محمد بن حسین بهاء الدین ، العروة الوثقی، کتاب الاجاره، چاپ اول، قم: کتابفروشی بصیرتی، ۱۳۹۰ ه.ق.
- ۱۱- عاملی محمد بن حسن حر ، وسائل الشیعه، قم: موسسه آل البيت (علیهم السلام)، جلد ۲۵، ۱۴۰۹ ه.ق.

- ۱۲- انصاری مرتضی، مکاسب، جلد ۱، قم: چاپ طاهر، بی تا.
- ۱۳- نجفی محمد حسن، جواهر الکلام، محقق/ مصحح: عباس قوچانی - علی آخوندی، جلد ۳۷، بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۴ ه ق.
- ۱۴- طاهری، حبیب الله، حقوق مدنی (طاهری)، جلد ۲، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ دوم، ۱۴۱۸ ه ق.
- ۱۵- الیاس شریفی اشکوری، منتخب فقرات فقهیه، جلد ۱، قم: بیت آیت الله شکر، ۱۳۸۹.
- ۱۶- حلی حسن بن یوسف بن مطهر اسدی، تذکره الفقهاء، جلد ۲، چاپ اول، قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام، ۱۳۸۸ ه ق.
- ۱۷- مصطفی محقق داماد یزدی، قواعد فقه (محقق داماد)، جلد ۱، چاپ دوازدهم، تهران: مرکز نشر علوم اسلامی، ۱۴۰۶ ه ق.
- ۱۸- مرتضی انصاری، مکاسب، جلد ۱، بیروت: منشورات دار الحکمه، بی تا.
- ۱۹- محمد حسن نجفی، جواهر الکلام، محقق/ مصحح: عباس قوچانی - علی آخوندی، جلد ۳۷، بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۴ ه ق.
- ۲۰- حسین بن عبد الصمد عاملی، مصرف خمس در زمان غیبت - مترجم: محمد جواد حسینی جلالی، چاپ اول، قم: مؤسسه دائره المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت عليهم السلام، ۱۴۲۶ ه ق.
- ۲۱- عاملی بهاء الدین محمد بن حسین و نظام بن حسین ساوجی، جامع عباسی و تکمیل آن (محشّی، ط - جدید)، چاپ اول، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۲۹ ه ق.
- ۲۲- سید حسن امامی، حقوق مدنی (امامی)، جلد ۱، تهران: انتشارات اسلامی، بی تا.
- ۲۳- روح الله موسوی خمینی، توضیح المسائل (امام خمینی)، چاپ اول، ۱۴۲۶ ه ق، مسئله ۲۴۲۲.
- ۲۴- جمعی از مؤلفان، مجله فقه اهل بیت عليهم السلام (فارسی)، جلد ۱۲ و ۱۱، چاپ اول، قم: مؤسسه دائره المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت عليهم السلام.

- ۲۵- سید ابوالقاسم خویی، منهاج الصالحین، جلد ۲، چاپ ۲۱، قم: نشر مدینه العلم.
- ۲۶- ولی الله علیزاده، غصب موقوفات (احکام و ادله آن)، میراث جاودان، پایگاه مجلات تخصصی نور، پاییز و زمستان ۱۳۸۱ - شماره ۳۹ و ۴۰.
- ۲۷- خویی سید ابو القاسم موسوی، مصباح الفقاهه، بی جا، بی نا، بی تا.